

امام خمینی (ره)

و

مسئولیت اجتماعی مطبوعات

مجتبی عطارزاده*

«قسمت دوم»

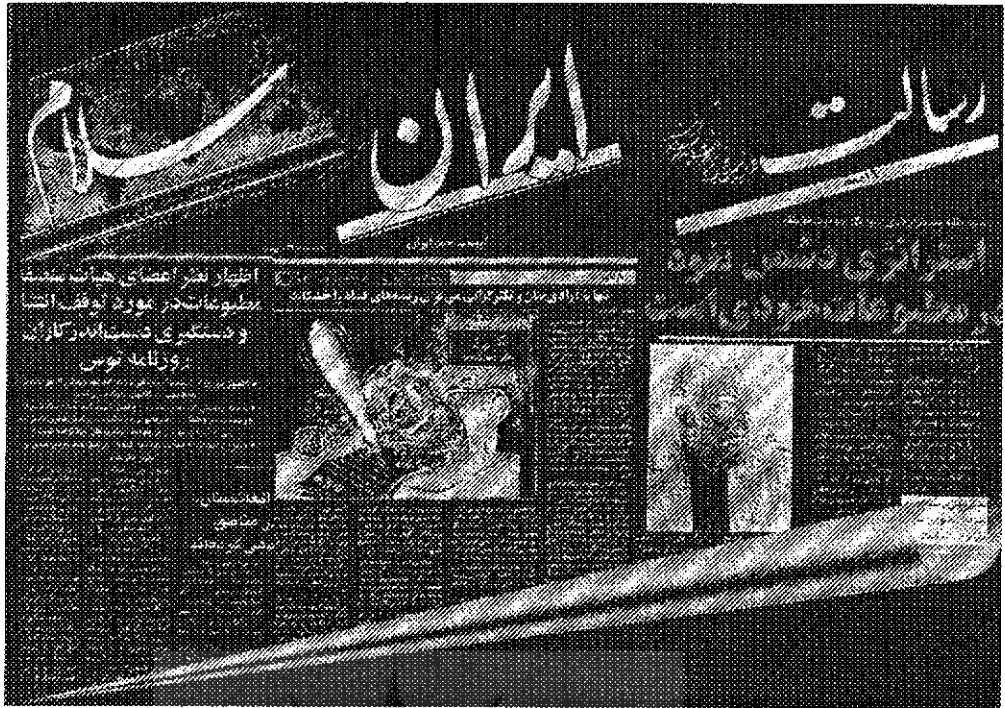
آزادی یاد شده است. کارل یاسپرس - فیلسوف آلمانی - می‌گوید، «آزادی»، تنها با دگرگون شدن آدمی حاصل می‌شود و با ایجاد سازمانهایی برای آدمیان که دگرگون نشده‌اند نمی‌شود آن را «ساخت» بلکه پیدایش آن بستگی دارد به چگونگی ارتباط و گفت و شنود و تفاهم میان آدمیانی که آماده‌اند با یکدیگر گفت‌وگو کنند.^۱ مطبوعات به دلیل ویژگیهای خاص خود، می‌توانند بیش از سایر وسایل ارتباط جمعی از طریق نقد و انتقاد، بستر مناسبی برای گفت‌وگو میان آحاد جامعه فراهم آورند. البته این نکته را نباید از یاد برد که به همان میزان که مطبوعات قادرند نقد را رواج دهند و خود را از جزئیات دست و پاگیرها سازند، ممکن است به عنوان ابزارهای ایدئولوژیک قدرت هم عمل کنند؛ به این معنی که قدرتهای قاهر و مسلط از مطبوعات برای اینکه کالای خود را به مردم بفروشند تا دوباره با فروش مدعیات خود

نشانه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی مطبوعات همان‌طور که پیش از این اشاره شد با پایان جنگ تحمیلی و طرح مسأله سازندگی کشور، مطبوعات به‌عنوان آیینة تمام‌نمای افکار عمومی وارد مرحله نوین و حساسی از حیات فرهنگی خود شدند که انتظار می‌رفت تداوم همراه با سلامت آن به حاکمیت نوعی الگوی «مسئولیت اجتماعی» که در واقع، هم یک نوع احساس تعهد در برابر مردم و جامعه و هم در برابر آزادی بیشتر بینجامد که پیامدهای مثبت آن در پیشبرد و اعتلای فرآیند توسعه فرهنگی کشور، تأثیرگذار بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد:

الف - نقد: تئورسین‌ها و نظریه‌پردازهای مکتب انتقادی معتقدند که «نقد مهمترین عامل رهایی است، چه آنکه باعث می‌شود بسیاری از بت‌های ذهنی، بت‌های قبیله‌ای و بت‌های اجتماعی دچار فرسایش و بسیاری از جزم‌ها ذوب و زایل شوند. و از آنجا که مطبوعات فرآیند نقد را روشنند و نهادینه می‌سازند، در آثار نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت همچون آدورنو، هورکهایمر و مشخصاً یورگن هابرماس از آنها به‌عنوان عامل رهایی و

* - عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

۱- کارل یاسپرس، آغاز و انجام تاریخ، ترجمه محمدحسن لطفی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۸۹.



آنچه در روند توسعهٔ کشوری همچون ایران بعد از انقلاب - که نظامی متکی بر مردم بر آن حاکم است - از مطبوعات انتظار می‌رود، بازتاب و انعکاس واقعیت‌های جامعه و ایفای نقش پل ارتباطی میان مسئولان و مردم است که گاه نیز با طرح انتقادهایی از روند امور همراه خواهد بود.

اما واقع آن است که پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم ترویج اهداف و مبانی انقلاب، وجود فعالیت تبلیغاتی وسیعی را ضروری ساخت که مطبوعات نیز در آن سهم عمده‌ای داشتند. این ضرورت‌ها حتی پس از سپری شدن دوران گروه‌گرایی‌های سیاسی در سالهای نخست پیروزی انقلاب نیز همچنان وجود داشته است و ضمن سایه افکندن بر فعالیت مطبوعات، زمینه‌ساز پیدایش مطبوعات جدیدی را فراهم ساخت که کاملاً براساس اهداف تبلیغی استوار بودند. بدین ترتیب، سایر نقش‌ها و

به مردم، فضا را افسون‌زده کنند، بهره‌برداری نمایند و جزئیات جدیدی را پدید آورند. حتی در دموکراسی‌های غربی که ادعا می‌شود اصولاً آگاه ساختن افکار عمومی آزاد است، دولت برای اعمال نفوذ بر روی آن وسایل متعددی در اختیار خود دارد. در تمام محافل حاکمه - اعم از دولتی و خصوصی - فکر آماده سازی افکار عمومی بر قبولانیدن پاره‌ای از نظرات تا اندازه‌زیادی بر فکر آگاه ساختن آن بر حوادث غلبه دارد. بنابراین مطبوعات را می‌توان به صورت دو سر یک پیوستار تلقی نمود که در یک سر آن، به عنوان عامل اصلی نقد در جهت افسون‌زدایی از فکر و ذهن عمل می‌کنند و از دیگر سو به عنوان ابزارهای ایدئولوژیک دستگاه‌های اقتدارگرا باعث باز افسونی شدن جهان شوند.^۲ چه آنکه در هر فراگرد ارتباطی و از جمله مطبوعات، عامل ارتباطی کم و بیش راجع به خود سخن می‌گوید، خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم. او در این فراگرد می‌تواند به تدریج اعتباری برای خود کسب کند و به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر خواسته‌ها، نیازها، امیال، آرزوها و توانایی و دانایی‌های خود را به دیگران منتقل نماید.^۳

۲- سعید حجاریان، در میزگرد آزادی و مطبوعات، ششمین جشنوارهٔ مطبوعات، ۷۸/۲/۱۳.
 ۳- علی‌اکبر فرهنگی، اعتبار یا مشروعیت در ارتباطات میان‌فردی، فصلنامهٔ رسانه، شمارهٔ ۳، سال پنجم، پاییز ۷۳، ص ۶.

کارکردهای مطبوعات به فراموشی سپرده شد و از انواع مختلف مطبوعات، در سالهای بعد بیشتر شاهد تولد و رشد مطبوعات مطیع یا مطبوعات طرفدار و حداکثر مطبوعاتی با روابط متقابل بوده‌ایم و از مطبوعات منتقد و معترض یا مطبوعاتی که خود را رقیب دولت حاکم بدانند اثری دیده نمی‌شد، زیرا وجود نظام دولت‌محوری از گذشته که پیش از این بدان پرداختیم - و استیلای حکومت بر تمام امور و تشدید این وضعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی و مشخصاً بنا به ضرورت‌های ناشی از بروز جنگ تحمیلی، باعث وابستگی شدید مطبوعات به دولت و سازمانهای اجرایی شده است و البته این امر مانع رشد مطبوعات مستقل در کشور شده و در نتیجه مطبوعات به جای اینکه روی پای خود بایستند، پیوسته برای ادامه فعالیت محتاج حمایت‌های دولت بوده‌اند و طبیعی است که در چنین وضعیتی مجلات و نشریات بیشتر سخنگوی دولت می‌شوند تا زبان مردم و وسیله‌ای برای بیان و نشر افکار آزاد و در نهایت، از ایفای نقش واقعی خود که نظارت و ارزیابی بیطرفانه و واقع‌بینانه عملکرد دستگاههای اجرایی است، باز می‌مانند.

ب - روشنگری افکار عمومی: همان‌گونه که زمین فوتبال با نورافکن‌هایی روشن می‌شود تا تمام زمین و حرکات و سکنات بازیکنان و داور به وضوح در معرض دید تماشاگران قرار گیرد، مطبوعات هم به مثابه نورافکنی، صحنه سیاسی را در برابر دیدگان مردم روشن می‌کنند و زاویه‌ای را تاریک باقی نمی‌گذارند تا خفاش شب‌پرستی یا تاریک‌اندیشی در آن زاویه پناه گیرد. با روشن شدن این نورافکن مسؤولان و دست‌اندرکاران در این فضای روشن کاملاً احساس می‌کنند که زیر فشار افکار عمومی قرار دارند و اقدامات آنان از دیدگان تیز ناظرانی بیدار مخفی باقی نمی‌ماند. از این‌رو، مطبوعات می‌توانند به‌سان عامل ایجاد فشار افکار عمومی عمل نمایند تا مسؤولان رفتار خود را تصحیح

نمایند؛ چه آنکه افکار عمومی ضمیر باطنی یک ملت است و چونان قدرت گمنام و یک نیروی سیاسی که در هیچ قانون اساسی‌یی پیش‌بینی نشده است، عمل می‌نماید. امام راحل^(ره) نیز با در نظر گرفتن این واقعیت و روند رو به گسترش آگاهی عمومی است که می‌فرماید: «... جامعه فردا، جامعه‌ای ارزیاب و منتقد خواهد بود که در آن تمام مردم در رهبری امور خویش شرکت خواهند جست.»^۴ و باز در تأکید بر ضرورت احترام به افکار عمومی و نقش نظارتی آن در تضمین سلامت امور کشوری، اظهار می‌دارند: «همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند، نظارت کنند اگر من پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگوید پایت را کج گذاشتی! خودت را حفظ کن. مسأله مهم است.»^۵

بنابراین، مطبوعات با روشنگری خاص خود فضای سیاسی را پیش‌بینی‌پذیر و روشن می‌سازند و از این‌رو با تیتراهای درشت صفحه اول و دیگر صفحه‌ها گاه می‌توانند نبض جامعه را در دست گیرند، افکار عمومی بسازند و جو جدیدی بیافرینند. در مورد نقش وسایل ارتباط جمعی در کنترل افکار عمومی تحقیقات زیادی صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه دو پژوهشگر امریکایی پس از سالها تحقیق اعلام کردند در حالی که رسانه‌های جمعی امریکا مانند سخنگویان آزادی تصویر می‌شوند. اما در واقع نقش عمده رسانه‌ها بسیج حمایت مردم برای اعمال جنجال برانگیز دولت است.^۶

البته در آن‌سوی طیف ممکن است بعضی از مطبوعات به مردم ضد دانش، ضد معرفت، ضد اطلاعات دهند و یک فضای فراواقع‌نما را برای مردم ایجاد کنند. از این‌رو، امام^(ره) تأکید داشتند: «مطبوعات موظف‌اند از تیتراهایی که موجب

۴- امام خمینی، فصلنامه حضور (خرداد ۷۶)، ص ۱۰۲.

۵- امام خمینی، فصلنامه حضور (خرداد ۷۶)، ص ۱۰۲.

۶- ادوارد اس هرمان، و نوام چامسکی. نقش رسانه‌های ایالات متحده در کنترل افکار عمومی، ترجمه سندیسی، فصلنامه رسانه، سال اول، شماره ۴ (زمستان ۶۹)، ص ۱۲.

تحریک و یا تضعیف مردم می‌شود و یا مخالف واقع است، خودداری کنند»^۷

ج - نهادینه‌سازی مردم‌سالاری: برای اینکه تحریک سیاسی بتواند به‌طور مثبت جامعه را در راه توسعه یاری دهد، باید با تجهیز و بسیج سیاسی همراه باشد. به این مفهوم که یک جامعه یعنی یک نظام سیاسی بتواند با همفکری افراد خود، با تمام افراد ارتباط برقرار کند و فعالیتها و نیروهای آنان را در جهت‌های مطلوب سیاسی برای همه افراد آن جامعه هدایت کند. نقشی که رسانه‌ها در این مورد می‌توانند داشته باشند، این است که از رهگذر روشن ساختن افکار عمومی، افراد را از حقوق و مسؤولیت‌های اجتماعی خود آگاه کنند و با ایجاد اعتماد به نفس و قابلیت‌هایی نظیر ممارست و تجربه در مشارکت، تصمیم‌گیری که از ضرورت‌های مسلم برای مردمی است که می‌خواهند در امور سیاسی منشأ اثری باشند، کانونی برای برخورد عقاید و آراء و عرضه نوآوری‌ها و ارزشهای نوین سیاسی پدید آورند.^۸ ناگفته پیداست که در پرتو آگاهی‌های سیاسی عمومی و حضور مردم در صحنه، نوعی موازنه قوا در عرصه سیاست به وجود می‌آید که طی آن قوای سیاسی دیگر نمی‌توانند همدیگر را هضم کنند و لذا می‌کوشند تا فضا را کمتر خشونت‌بار کنند و اینها همه ناشی از کارکرد مثبت مطبوعات در جامعه است که از طریق توزیع مجدد اطلاعات و معرفت‌ها و رفع عدم تقارن‌های اطلاعاتی، زمینه ایجاد تكثر قدرت در فضای ذهن و موازنه قوا در عالم واقع را فراهم می‌آورند.

د - آزادسازی فضای سیاسی: مطبوعات و رسانه‌های گروهی، پدیده‌های مدرنی هستند و مستقل از اینکه چه پیامی را به مخاطبان‌شان عرضه می‌کنند، با روشن‌تر کردن فضا باعث ایجاد جریان آزاد اطلاعات می‌شوند و این جریان آزاد خود به خود به پیدایش و تحکیم طبقه متوسط جدید - شامل روشنفکران شهرنشین و دانشگاه‌دیده و دارای سطح بالای سواد - کمک می‌کند. این طبقه معمولاً

در جهان سوم و کشورهای در حال گذار، حامل اصلی مردم‌سالاری به‌شمار می‌رود. آنچه بدیهی است اینکه در نظام‌هایی که این طبقه بیشتر تقویت شده باشد، بر درصد مشارکت‌جویی هم افزوده می‌شود و افکار عمومی پویاتر و جدیدتری ظهور و نمود می‌یابد. اینکه برخی از محققان و صاحب‌نظران، افکار عمومی را هم‌زاد مردم‌سالاری در جوامع جدید می‌دانند نیز شاهدهی بر این مدعاست. هر چند که مفهوم افکار و عقاید عمومی همواره یکی از دغدغه‌های دیرین متفکران اجتماعی بوده است، اصطلاح فیلسوف معروف فرانسوی - ژان‌بدن - برای افکار عمومی که برگرفته از تعبیری در قرون وسطی است که «صدای مردم، صدای خداست»، به خوبی نقش تأثیرگذار و حساس رسانه‌های گروهی و از جمله مطبوعات در آزادسازی فضای سیاسی جامعه را روشن و مشخص می‌سازد.

بنابراین رسانه‌های مستقل با پیامی که عرضه می‌کنند، در این راستا مفید خواهند بود و عدم کارکرد صحیح رسانه‌ها به نبود فضایی سالم برای تحقق هدف فوق می‌انجامد. امام راحل^(ره) با توجه به این واقعیت و اشاره به وضعیت نامطلوب مطبوعات در عهد حاکمیت پهلوی، می‌فرمایند: «بشر در اظهار نظر خودش آزاد است... مطبوعات هیچ حق نداشتند که یک کلمه برخلاف آنکه دیکته به آنها می‌شد، بنویسند»^۹

کارل کوهن نیز در این زمینه می‌نویسد: هر کوششی مشترک برای رسیدن به علایق گروهی، به ایجاد رابطه تفاهم‌آمیز از طریق روزنامه‌ها و کتابها بستگی دارد. دموکراسی به اعضایی نیاز دارد که سخن گفتن روشن و بجا را آموخته باشند، از روی

۷- از بیانات امام خمینی^(ره) در تاریخ ۵۸/۶/۷، روزنامه کیهان ۵۸/۶/۸.

۸- ریو. ام. کریستنسن، رابرت مک ویلیامز، صدای مردم، ترجمه محمود عنایت، کتابسرا، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۳۲.

۹- صحیفه نور، جلد دوم، ۵۷/۸/۱۱، ص ۲۷۰.

امام راحل(ره) در تأکید بر ضرورت احترام به افکار عمومی و نقش نظارتی آن
در تضمین سلامت امور کشوری، اظهار می‌دارند: «همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند،

نظارت کنند اگر من پام را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است

که بگوید پایت را کج گذاشتی! خودت را حفظ کن. مسأله مهم است.»

خورد ملت داده نشود، چرا که یکی از کارکردهای مهم وسایل ارتباط جمعی، اطلاع رسانی دقیق و کامل است و این مسأله به‌عنوان مهمترین انتظار مردم از مطبوعات شناخته می‌شود. در پیمایشی در مورد میزان بهره‌مندی شهروندان تهرانی از مطبوعات با جمعیت آماری متشکل از ۱۰۰۰ نفر از افراد باسواد بالای ۱۵ سال، پاسخ‌دهندگان مهمترین منابع خبری خود را به ترتیب، تلویزیون و رادیوهای داخلی، مطبوعات داخلی، گفت و گو با مردم و رادیوها و مطبوعات خارجی عنوان کرده‌اند.^{۱۰} اما متأسفانه به دلیل جایگزینی مطبوعات به جای احزاب، غالباً روند اطلاع‌رسانی در رسانه‌های همگانی کشور ما -بویژه در سالهای اخیر- عکس این را باعث شده است. باید به این واقعیت اذعان داشت که به‌رغم تأثیر فراوان وسایل ارتباط جمعی در شکل‌دادن به عقاید سیاسی مردم، در بسیاری از موارد نمی‌توانند عقاید سیاسی افراد را به کلی دگرگون سازند. این امر در بسیاری از کشورهایی که وسایل ارتباط جمعی در انحصار کامل دولت است، به اثبات رسیده است. به‌عنوان مثال رژیم‌های کمونیستی سابق در بلوک شرق یا رژیم سلطنتی سابق در ایران، با اینکه انحصار کامل

دقت و با نیروی ادراک به سخن دیگران گوش فرا دهند و به‌طور صریح و اثربخش مطلب بنویسند.^{۱۰}

آسیب‌پذیری مطبوعات ایران

در ایفای نقش مسؤولیت اجتماعی در حال حاضر امروزه به‌نظر طبیعی می‌رسد که افراد اکثر اطلاعات سیاسی خود را از وسایل ارتباط جمعی به‌دست آورند. این در حالی است که قبل از پیدایش این وسایل، فقط تجربه شخصی، معاشرت با افراد آگاه و مطالعه کتاب تنها راههای کسب این اطلاعات بوده است. در تحقیقاتی که در آمریکا درباره سه موضوع مهم یعنی رسوایی واترگیت، جنگ ویتنام و بحث کاندیداهای ریاست جمهوری در طی چندین دوره مبارزه انتخاباتی انجام شده است، همان‌طور که انتظار می‌رفت تقریباً همه بزرگسالان گفته‌اند که بخش عمده اطلاعات خود را از رسانه‌های گروهی کسب می‌کنند.^{۱۱} اما روند حاکم بر مطبوعات ایران -بویژه در سالهای اخیر- بستری غیر از این را فراهم ساخته و رقم زده است، چه آنکه مطبوعات بیشتر به جای اطلاع‌رسانی، جایگزین ایفای نقش احزاب شده‌اند و برخی به این مسأله افتخار هم می‌کنند. حال آنکه نشریه حزبی در همه جای دنیا تعریف خاص خود را دارد و اهدافی متناسب با آرمانهای حزبی را در دستور کار خود قرار می‌دهد و خریداران این‌گونه مطبوعات هم با در نظر داشتن چنین مسائلی، اقدام به خرید آنها می‌کنند. اما تقوای خبری و مطبوعاتی در عرصه عمومی اقتضای آن دارد که عین واقعیت‌ها را در مطبوعات منعکس شود. به نام نقل واقعیت، تفسیر آن و نظر و برداشت خبرنگار و روزنامه‌نگار به

۱۰- کارل کوهن، *دموکراسی*، ترجمه فریبرز مجیدی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۰۲.

۱۱- استوارت راز کمپ، *روانشناسی اجتماعی کاربردی*، ترجمه فرهاد ماهر، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹، ص ۴۵۲.

۱۲- مهران سهراب‌زاده و عباس عبدی، *بهره‌مندی مردم از مطبوعات*، فصلنامه رسانه، شماره ۱۰، سال سوم، (تابستان ۷۱) صص ۲۷-۳۷.

مطبوعات به مثابه نورافکنی، صحنه سیاسی را در برابر دیدگان مردم روشن می‌کنند و زاویه‌ای را تاریک باقی نمی‌گذارند تا خفاش شب‌پرستی یا تاریک‌اندیشی در آن زاویه پناه گیرد. با روشن‌شدن این نورافکن، مسؤولان و دست‌اندرکاران در این فضای روشن کاملاً احساس می‌کنند که زیر فشار افکار عمومی قرار دارند و اقدامات آنان از دیدگان تیز ناظرانی بیدار مخفی باقی نمی‌ماند.

امام راحل^(ره) بارها بر این مهم با تعبیر آزادی بیان و ممنوعیت توطئه، تأکید می‌نمودند: «هر یک از مطبوعات را که توطئه‌گر و مخالف مصالح ملت و کشور ندانستند، اجازه نشر دهند و از نشریات مخالف مصالح ملت و کشور جداً جلوگیری کنند.»^{۱۴} و یا در جای دیگر هشدار می‌دهند: «من بارها گفته‌ام که مطبوعات باید مستقل و آزاد باشد، ولی متأسفانه و با کمال تعجب تعدادی از آنها را در مسیری دیدم که با کمال بی‌انصافی مقاصد شوم راست و چپ را در ایران پیاده می‌کردند و هنوز هم می‌کنند.»^{۱۵}

در مقطع کنونی، به دلیل حاکمیت نگرش رسانه‌مدارانه بر جامعه ما، این معنا و برداشت صحیح از آزادی بیان و اندیشه را خدشه‌دار ساخته است. بر پایه این نگرش که به نام تئوری تزریقی مشهور است، برخی مطبوعات ایران در مقطع فعلی به سان عصر گوبلز که می‌پنداشتند رسانه‌ها درست مثل یک اسلحه است که پیام در خشابش بگذارند و به طرف مردم نشانه روند، عمل می‌کنند. این اوج رسانه‌مداری است که رسانه‌ها هر کاری که بخواهند با مردم انجام می‌دهند. در چنین فضایی می‌شود به بهانه اینکه طرف مقابل مردم را از راه به دور می‌کند و از مسیر انقلاب دور می‌سازد جنگ به پا کرد و امنیت ذهنی جامعه و آرامش افکار عمومی را برهم زد. ناگفته پیداست نتیجه تداوم چنین روندی چیزی جز انفعال و یأس مخاطبان از برآورده شدن

رسانه‌ها را در دست داشتند، عملاً نتوانستند مشروعیت کافی برای خود ایجاد کنند. از این تجربه به وضوح باید آموخت که به کارگیری مطبوعات برای جلب و جذب حامی و طرفدار برای گرایشهای فکری گروههای سیاسی نمی‌تواند کارآمدی مطلق داشته باشد؛ ضمن آنکه مطبوعات را از ایفای نقش اصلی خود یعنی اطلاع‌رسانی صادقانه نیز باز می‌دارد زیرا آنان برحسب منافع جناحی و حزبی خاص خود و به دلیل احتمالاً فردی از گروه منتسب به ایشان مسؤولیت بخشی را به عهده دارد که نارسایهای جدی در نحوه عملکرد او مشاهده می‌شود، از بازتاب تمام واقعیت سرباز می‌زنند و آن را به معرض قضاوت افکار عمومی نمی‌گذارند، بلکه گاهی گوشه‌ای از یک خبر را می‌گیرند و این را آنچنان درشت بیان می‌کنند که وقتی خواننده می‌خواند ناگهان وحشت می‌کند که آیا چه مسأله‌ای در کار است. برعکس، کسی گوشه دیگر همین خبر را می‌گیرد و خواننده به نظرش می‌رسد که محیط خیلی آرام است. آیا وقتی خود اینها اخبار و گزارشها و مطالب را سانسور می‌کنند و هر طور که می‌خواهند برای مردم بیان می‌کنند، کسی حق ندارد آنها را نصیحت کند که چرا محیط را آشفته و متشنج می‌کنید و چرا مردم را به جان هم می‌اندازید؟ چرا تفرقه ایجاد می‌کنید و چرا دلهره و اضطراب برای مردم به وجود می‌آورد؟^{۱۳} حاکمیت چنین روالی بر فضای مطبوعاتی کشور، نه فقط به مردم سالاری نمی‌انجامد بلکه تشتت، پراکندگی و یأس و نومیدی را در جامعه سبب خواهد شد که به طور قطع در جو انقلابی توطئه‌ای ویرانگرتر از آن متصور نیست. از این جهت بود که

۱۳- محمدجواد باهنر، مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب

اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۷۳.

۱۴- بیانات امام خمینی ۵۸/۶/۷.

۱۵- بیانات امام خمینی ۵۹/۱/۱.

انتظارات خود از مطبوعات نخواهد بود. در مورد عدم استقبال مردم از بعضی از مطبوعات، نتایج یک نظرسنجی که روزنامه ابرار در ۲۸/۷/۷۳ انجام داده، مهم است. در این نظرسنجی در پاسخ به این سؤال که «به چه دلیل روزنامه نمی‌خوانید؟» ۶۸/۳۳ درصد از پاسخ‌دهندگان عواملی چون عدم اعتماد، یک‌طرفه بودن، فقدان تنوع، جهت‌دار بودن و ناتوانی در رفع نیاز خبری را عنوان کرده‌اند، در حالی که فقط ۱۷/۵ درصد گرانی قیمت را دلیل این امر دانسته‌اند. همه این آمار نشان‌دهنده عدم توانایی وسایل ارتباط جمعی ایران در جذب کامل مخاطبان است و طبیعی است هنگامی که وسایل ارتباط جمعی یک کشور در جذب مخاطبان موفق

این مهم را دریافته و به صراحت اعلام داشته‌اند که: «یکی از چیزهای مهم هم از قضیه مطبوعات و سینماها، تئاترها، رادیوها و اینها بود؛ تمام اینها روی یک نقشه حساب شده برای این بود که این کشور را از آدم خالی کنند. از یک انسانی که بتواند در مقابل کسانی که به کشورش می‌خواهند خیانت بکنند، به اسلام می‌خواهند تجاوز بکنند بتواند در مقابل بایستد.»^{۱۶} تمام تلاش امام راحل^(ره) پس از پیروزی انقلاب این بود که به جامعه مطبوعاتی کشور این اصل را یادآور شود و بقبولاند که با حرکت در مسیر ملت و نه کشاندن ایشان به مسیری که ایشان آن را مطلوب تشخیص داده‌اند، دست از قیم‌مآبی بردارند. باور امام بر این بود که مردم ایران با درک صحیح و

نقش رسانه‌ها و بویژه مطبوعات حایز اهمیت است. جامعه‌ای که در آن مطبوعات با عملکرد صحیح خود، شیوه‌های مشارکت از طریق بحث و گفت و گورا به مخاطبان خود بیاموزند، پویا و بالنده خواهد بود. به همین جهت بود که امام(ره) در بیان مسؤلیت مهم مطبوعات معتقد بودند «اگر چنانچه مطبوعات اصلاح بشود، رسانه‌های گروهی اصلاح بشود، یک جامعه اصلاح می‌شود.»

نباشد، میزان تأثیرگذاری آنها چندان زیاد نخواهد بود و در نتیجه همه آن پیامدهای مثبت بیان شده در طرح و جا افتادن الگوی مسؤلیت اجتماعی مطبوعات رو به نقصان و زوال خواهد گذاشت. اتخاذ رویه غیررسانه‌مدارانه، فارغ از این پیامدهای منفی است چه آنکه در این نگرش، باور بر این است که آزادی بی حد و حصر مطبوعات باید به گونه‌ای محدود شود. و این به تعبیر متسکیو که حد اعلای آزادی آنجاست که آزادی به حد اعلا نرسد، مصداق آزادی واقعی مطبوعات در جامعه خواهد بود. این مهم آنگاه تحقق می‌یابد که مخاطبان یعنی مردم، محور عمل و ملاک قضاوت قرار گیرند و این باور رواج یابد که مردم عاقل‌اند و آنان هستند که تصمیم می‌گیرند به چه چیزی گوش دهند و از چه اعراض کنند و در یک کلام آنان موجوداتی منفعل در برابر رسانه‌ها نیستند. امام راحل^(ره) نیز با درایت و تیزبینی خاص خود،

شناخت عمیق خود از فساد و انحطاط رژیم پهلوی، به‌خوبی بلوغ فکری و آگاهی سیاسی خویش را آشکار ساخته‌اند و از این‌رو دلیلی ندارد که مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی با آنان همچون توده‌ای عوام و بی‌اطلاع از خیر و صلاح خود رفتار کنند، بلکه برعکس باید منافع و مصالح مردم را آینه دیده خود قرار دهند. شاید به جرأت بتوان تفسیر توطئه مطبوعات در گفتار امام^(ره) را در انحراف از این مسیر جست و جو نمود: «به مطبوعات و رسانه‌های جمعی همین اخطار را اکیداً می‌کنم، آزادی غیر از توطئه است. از توطئه‌های خلاف مصالح عالیة اسلام و کشور و ملت جداً جلوگیری می‌شود و من در صورت احساس خطر جدی، مسائل را با ملت عزیزم در میان می‌گذارم تا ملت دلیر، خود تصمیم لازم را بگیرد.»^{۱۷}

۱۶- صحیفه نور، جلد ۸، ۱۴/۴/۵۸، ص ۲۲.

۱۷- صحیفه نور، جلد ۸، ۳/۵/۵۸، ص ۲۱۹.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وسایل ارتباط جمعی به سبب نقش خاصی که در انتقال و انتشار فرهنگ ایفا می‌کنند در صورتی که بر اساس منافع و مصالح عمومی اداره شوند می‌توانند در تحولات گوناگون اجتماعی، آثار مثبتی بر جای گذارند. بدین ترتیب، هر چقدر گردش اطلاعات و حجم اطلاعاتی که از این طریق به جامعه داده می‌شود زیادتر باشد، به همان میزان جامعه فعال‌تر شده و خلاقیت بیشتری پدید می‌آید که در روند اعتلای توان ملی نقش بسزایی خواهد داشت. بی‌شک آگاهی سیاسی و مشارکت مردم نسبت به آنچه در دو بُعد داخلی و خارجی در کشورشان می‌گذرد، از بزرگترین پشتوانه‌های «قدرت ملی» در هر کشور است و هرچه میزان این آگاهی در محیطی مبتنی بر همزیستی و آزادی آرا و عقاید مختلف رو به فزونی گذارد، نگرش‌های گروهی متفاوت نه فقط قدرت ملی را تضعیف نمی‌کند، بلکه از طریق ایجاد جو انعطاف‌پذیری، همزیستی و همکاری از طریق آزادی احزاب و تحمل تفکر سیاسی - اجتماعی ناموافق، بر میزان آگاهی عمومی افزوده و آنگاه پشتوانه محکمی برای تقویت و تثبیت قدرت ملی نیز فراهم می‌آید.

در این بین، نقش رسانه‌ها و بویژه مطبوعات حایز اهمیت است. جامعه‌ای که در آن مطبوعات با عملکرد صحیح خود، شیوه‌های مشارکت از طریق بحث و گفت‌وگو را به مخاطبان خود بیاموزند، پویا و بالنده خواهد بود. به همین جهت بود که امام (ره) در بیان مسئولیت مهم مطبوعات معتقد بودند «اگر چنانچه مطبوعات اصلاح بشود، رسانه‌های گروهی اصلاح بشود، یک جامعه اصلاح می‌شود»^{۱۸} و یا در جای دیگری می‌فرمایند: «مسئولیت بزرگ شما امروز قلم‌هایی است که در دست شماست... قلم‌ها اگر لغزش پیدا کنند یک ملت را می‌لغزاند»^{۱۹} در تحقق این مسئولیت خطیر، صداقت و خلوص نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. مطبوعات با اندک تخطی از معیارهای صداقت و خلوص به سرعت مخاطبان

خود را از دست خواهند داد و به رسانه‌ای جهت‌دار تبدیل می‌شوند که فقط عده‌ای محدود و معدود به آنها توجه خواهند کرد و پایگاه مردمی و عمومی آنها از دست خواهد رفت و از انجام رسالت و مسئولیت اجتماعی خود باز خواهند ماند. در نتیجه، ضمن ناتوانی در شناسایی توانمندی‌های موجود در جامعه و بهره‌گیری از آنها در جهت اعتلای کشور، این کارکرد ناقص مطبوعات موجب پیدایش احساس دل‌سردی و یأس در آحاد جامعه - بویژه نسل جوان - و در نهایت کاهش توان ملی خواهد شد که این امر شایسته هیچ رسانه صالحی به تعبیر امام راحل نیست: «آنهايي که اهل فکرند، اهل قلم‌اند، آنهايي که صالح‌اند، اين صلحا بايد بنشینند و در صدد اين باشند که امید بدهند به اين جامعه، اين مردم احتیاج به امید دارند»^{۲۰}

بدیهی است نتیجه زوال امید به آینده در جامعه‌ای همچون ایران که پایه‌های اقتدار نظام آن بر باورهای مذهبی و اعتقادات دینی مردم استوار است، ضربه‌ای سخت و سهمگین بر حیات سیاسی - اجتماعی خواهد بود. چه آنکه در این حال، پیروان عقیده‌ای که زیر بنای نظام سیاسی است دیگر آن مردمان زنده‌دل سابق نیستند که آماده دفاع از ایمان و عقیده خود در برابر جهانیان بودند، بلکه مشتی پیروان فرسوده‌ای هستند که اکنون به کنج رضایت خزیده‌اند و کار مهمی از دستشان ساخته نیست.^{۲۱} در چنین وضعی، آنان روز به روز بیشتر متمایل به یکسره از یاد بردن مبانی عقیده خود و یا تنها رعایت تشریفات ظاهری آن می‌شوند.^{۲۲}



۱۸- صحیفه نور، جلد ۱۳، ۵۹/۶/۴، ص ۴۱.

۱۹- صحیفه نور، جلد ۱۴، ۶۰/۳/۱۲، ص ۲۵۷.

۲۰- صحیفه نور، جلد ۱۴، ۵۹/۱۱/۴، ص ۲۳.

۲۱- جان استوارت میل، رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۱۲.

۲۲- همان، ص ۱۱۳.